

یکشنبه غره ذیحجه الحرام ۱۲۹۹ هجری  
حاملین این روزنامه در طهران و غیره  
از سایر بلاد ایران حق مطالبه  
قیمت ندارند



مطابق با نهم اکتبر قرائت ۱۲۹۹ هجری  
اعلان این روزنامه قیمت ندارد  
دار الطباعه خاصه علمیه در طهران  
مبارک کردی امر الفنون

روزنامه دانش ماهی دوم تیر طبع و مجانا تقسیم میشود و هر کس اخبار اطباء  
و علمای بیرون و نیز منویا باند از نشر علم و نشر با سمریه در حق اهدا

### اخبار و نشر علم

مجلس حافظ الصحه که چند بعلت تعطیل مدرسه مبارک  
دار الفنون و الترام بعضی از اعظم اطباء فحام در  
رکاب ظفر انساب بندکان اعلیحضرت قدر فدا  
هایون شاهنشاهی خلد الله مملکه و سلطان و اوقات  
برخی از سایر اطباء در سیلابان در عهد تعطیل و تعویق  
بود روز یکشنبه بیست چهارم ذیقعد الحرام  
افتتاح پذیرفت و بر حسب اشارت جناب جلالالتاب  
وزیر علوم جناب رئیس مدرسه مبارکه از تمام اجراء  
مجلس دعوت نموده سه ساعت بغروب مانده در بنا الاخان  
سرد مدرسه مبارکه دار الفنون مجلس منور برپا شد  
و بعد از آن یکشنبه منعقد خواهد بود صورت روز پنجشنبه

صحتیه دار الخلافه باهره و سایر ایالات مالک محرم  
قرائت شد و ثبت دفتر مجلس کرد بد الله الحمد تمام الاوقات  
از اوقات و امراض عمومی و وافده و بلبسات سربیه و  
ردیه محفوظند و مرضیه که امسال در اغلب بلاد  
شیاع داشته منحصراً بنوبه و اقسام حیثیات دائره  
بوده و در بعضی اماکن ذر و سنطاران با اسباب اطفا  
نیز شیوعی بهم رسانیده بوده و به بجهل الله غالب  
از همانتهی بشفا و صحت میشد اند

میرزا احسان الدین طبیب حافظ الصحه شیراز رساله  
در باب شیاع و وفود نوبه در فارس نوشته مجلس  
فرستاده بود قرائت شد و مستحسن افتا طبیب  
مشارالیه علت بروز این مرض و وفود از اوقات  
و کثرت بارندگی در این دو سال اخیر و ظهور بعضی

### سازمان علم و تحقیق در ایران

( ۶۳ ) هر چه بر قضا کاهی مانند قطعه های بزرگ نور یک جزء افق را منور میکند و مثل افستکه شعله و تابند  
چ اولاً آنکه ممکن است خلوا الکتریسیت در خط منحنی ابرها در هم و مغشوش نباشد خواه از بابت اینکه قوتشان زیاد نباشد  
و خواه از بابت اینکه فاصله های که بنمایین بردها است بقدر کفایت هادی قوه الکتریسیت نباشند ثانیاً چون برف  
منعکس میشود در ابرها بیکه انرا پوشیده اند و آنها را روشن میکند لهذا نور فان بچی ناچار بنور مخلوط مبتدا میشود  
( ۶۴ ) آیا برق با شکل دیگری دیده نمیشود چ کاهی خلوا الکتریسیت و برق بشکل مسند بر بنظر آید و انرا برق  
کلوله گویند و این اسم غلط است باید صاعقه کلوله نامید در این شکل صاعقه ان سرعت زیاد را ندارد و حرکت ان بطه است  
بصحه که چشم میتواند چند ثانیه سیر عبور ان کند و تصور صاعقه کلوله را چنین میتوان کرد که قوت الکتریسیت زیادی اول



مرد آنها و ذرع شلوك در حواله شیر از میدانند  
ضمنا از مواظبت اجزاء حکومند در نظیف کوچها  
ومغایر تجید پیمانما بد که در تخفیف مرض وقت و  
ان مداخلة نامرداشنه است

### بقیة مسائل ذوات الاذناب تالیفات معتد السطان حاجی نجم الملک

اختلاف پنج ذوات الاذناب از ستیارات از حیثیت  
سمت حرکت است و باین لحاظ در عالم شمسه سناره ها  
دنباله دار کرده کشند اند مناز از سایر جمیع ستیارات  
و جمیع افکار آنها حرکتشان در حواله افناب متفاوت  
بر قواله بروج از مغرب بسمت شرق یعنی از حملی ایند  
به ثور و از ثور بجزا و هکذا و این نوع حرکت را  
**سیر نقیر** گوئیم و بلکه حرکات عینیه آنها در محور  
خودشان نیز چنین است و بی ذوات الاذناب علاوه  
بر آنکه دور خودشان نمیکردند حرکات خاصه که دور  
افناب آرند گاه مستقیم است مثل ستیارات و گاه  
**راجع** است یعنی از شرق بسمت مغرب حرکت میکنند  
و از جنوب می آیند به دلو و از دلو به جد و هکذا  
و در جمله دو بیت و چهار و دو سناره دنباله دار  
یکصد و نوزده عددشان بر قواله می رود و یکصد

بیت ستر عدد برخلاف قواله ذوات الاذناب بسبب  
استطاله مدارات خود بسبب ابسیا از افناب و روحی افند  
و بنا بر این از مناسکان زمین که قر و جوار با افناب دریم  
و از این باب در جزو اعظم از مدارات خود رؤیت شوند  
و ظاهر نکردند جز انوقت که کمال قرب با افناب حاصلند  
و انوقت هم از بر ساکنان زمین تند گذرند و لهذا  
مدت ظهورشان بسبب اقلیل است

در جمله هشتصد و اند عدد سناره دنباله دار که از  
عهد حضرت مسیح تا کنون دیده شده سیصد و نوزده  
عدد شانزدهمین انطور بدقت رصد کرده اند که وضع  
مداراتشان و حرکاتشان را در دست بردست آورند  
و در جمله این سیصد و نوزده پنجاه و هفت عددشان  
بازگشت نموده اند و محقق شده که از توابع افناب اند  
و در عالم شمسه سیر میکنند و چون از ان ۳۱۲  
عدد خارج کنیم مکررات را که چند بار بازگشت نمودند  
باقی میماند دو بیت و شصت و چهار سناره دنباله دار  
ممناز که شکل مداراتشان از این قرار است

یکصد و هفتاد و هشت عدد مداراتشان بشکل  
**پار ابل** است  
هفتاد و ستر عدد مداراتشان بشکل **بضی** است  
چهار عدد مداراتشان بشکل **هیپر ابل** است

عبور کند از جسم هادی و بیکر تیر راه ان مسدود شود بواسطه اینکه ان جسم هادی بزاویه قائمه یا حاده ملنوی میشود قوت  
الکتریسته اشنداد پیدا کند و بر پایه که در معبر ان هستند بیکدیگر را جذب کنند و این قوه جاذبه نسبت معکوس دارد با مجذور  
فاصله ها چون انوقت بیکدیگر بسینا نزدیک میشوند و بیکدیگر فشرده میشوند موقتا شکل کره پیدا می کنند زیرا که ان شکل  
با طبیع در اجسام سائده موجود میشود و سرعت حرکت آنها نیز کم میشود و چون ذرات بسبب صغیرند این سکون زود برهم خورد  
اجزای صاعقه کروی بالاشکال در زمان بسبب که در معبر خود اثر میکنند و بی مستعدند که از یکدیگر جدا و منتشر شوند بیک  
از حکای طبیع انگلیس که چرخ الیاس بزرگ لندن در اخیان او بود مجبور میکرد انرا که بر قهای کلوله شکل دهد بواسطه  
مجاورت کلولهای بسبب که در یک لوله شش درمی خال از هوا بر قرار میدند که طبیعتا نزل نمود

( ۶۵ ) هر چه صاعقه در حین عبور از هوا احداث نور و صدا میکند **ج** چونکه هوا هادی الکتریسته نیست  
لذا خاله شدن قوه الکتریسته بدان یک نوع غایب پیدا میکند و جهت رفع ان غایب متحرک می سازد **ا** طر که تلیامیتر



آن چهارده عدد دنیا له داره که مداراقتان منحنی  
 دراز است بشکل همیپریبل معلوم است که تابع افتاب  
 بنوده اند و در این عالم ما کذرا بوده اند و بلکه از آن  
 یکصد و هفتاد و هفت عدد که پاره ابل شکل بودند  
 احتمال میرود که بعضی از آن قسم باشند و بلکه ممکن است  
 که بسیار بی از این پاره ابل شکله ها بعضی شکل باشند  
 و بی خیل مستطیل و خلاصه از آن هفتاد و سه عدد  
 بعضی شکل نه عددش را تاکنون دیده ایم که باز کشته  
 و بجز به و حساب محقق شده است که این نه عدد

دوره ظهور و خفادارند

۹۱  
 و از جمله آنها ذوزنب سال گذشته است که در مارچ  
 در حدود قطب شمال نمایان شد ابتدا طرف صبح و بعد  
 بواسطه ترکیب حرکت خاصه زمین با حرکت خاصه خود  
 بتدریج پیش افتاده از اول شب نمایان گشت و عاقه ناس  
 کان بردند که آن دو ذوزنب است مختلف و دیگر ذوز  
 ذنبه که بعد از خفای آن فیما بین شمال و مغرب نمایان شد  
 و دیگر همین ذوزنب است که در دهه اول شهر ذی قعد  
 در طرف شرق نمایان شد قلیله قبل از طلوع افتاب

مدار این سه ذوزنب بعضی شکل است و در افتاب بی  
 خیل مستطیل و میل اولی از مدار افتاب قریب نود درجه  
 میشود و سمت حرکتش بر خلاف توالی است از مشرق و جنوب

مغرب است و مضمون اینست که این ظهور نوبت اولین  
 آن بوده و مدت دورالتش خیل زیاد است و ذوزنب طول  
 رفته رفته از فاد و ر شده و ضعیف گشت تا بیکل خف شد  
 و اما این ذوزنب هنوز در سست صد شده تا کم و  
 کیف حالالتش معلوم شود انشاء الله بعد از این  
 شرح خواهم داد

بفیه هر نمره ایشان  
**مطلب یار امحض حفظ صحت عامه**  
**بازاره دانش فرستادند**

مشبه نیست که سرایت بعضی امراض بواسطه مشارکت  
 در غلیظانهای مجال سرعاقه است و بی آن امراض در صورت  
 از شخصی بشخص دیگر سرایت کنند که در کلبه دهها  
 مریض قرحه همیشه سریه باشد و ریم یا براق او  
 الوده بر لعل غلیظان شود و دیگر بی از آن غلیظان  
 بگشت و آن رطوبت سریه بخد و بغشاء مخاط  
 دهان او گردد و کساکه که مبتلا با امراض ریه و  
 آلات تنفس اند و از غلیظان میکشند در آن غلیظان  
 از هوای مستخرج از تنفس خود چیزی باقی نماند  
 که درود آن آلات تنفس دیگر بی موجب سرایت  
 مرض گردد اما اگر بپنجه صفت مبتلا بلسان یا امراض  
 صدری دیگر باشد و چنانچه رسم احترام است

۳۵

و در هوا پراکنده است لهذا برق و نور پیدا میشود و با آنکه متحرک میسازد ذرات خود هوا را و احداث صوت  
 و در حد میخاید

(۶۶) **س** یا صاعقه اگر عبور کند از محیط هادی احداث نور و صدا میکند **ج** خیر سیاله الکتریسیته  
 در جسم هادی بدون صدا و روشنایی عبور میکند

(۶۷) **س** چراغی که بعد از برق یک رک باز آن شده می آید **ج** بجهت اینکه خلوا الکتریسیته سبب اشتک  
 بخار آب است که در معبران واقعند مترکم میخاید و علاوه بر این برودت محوسه تولید میکند

(۶۸) **س** چراغی که بعد از برق نماند شده میوزد **ج** همان سبب که خلوا الکتریسیته تولید برودت و اجزای  
 بخار این میکند تولید با دهم میکند

(۶۹) **س** بردهای موسوم به برق حرارت کدامند **ج** بردهای رعد هستند که غالباً در شبها صداز



دود غلیان را از بالای میانه آن درگند و بر آفتاب  
یا شخص محترمی دهد هوای سینه او در غلیان باقی  
میانند و آنکه غلیان را بعد از بیرون کردن دود بکشد  
ممکن است از آن هوای غیر سالم متأثر شده مرض سینه  
پیشخدمت در او سرایت کند لهذا محض مراقبت  
صحت باید رسم اینگونه احترام و بیرون آوردن دود  
غلیان را موقوف داشت و اگر دود را بیرون میاورند  
بوضع دیگر باشد یعنی غلیان بے سر را بکشند  
تا دودش خارج شود و از بالای میانه فوت نکند  
که هوای سینه آنها در غلیان بماند  
دکتر بیکر حکیم باشه اداره ندکتران  
ان کلیس

علوم طبیعی

بقیه سوال  
پس از اینکه ترکیب  
باطنه و اجزاء عنصری آن معلوم شد و اعمال  
کلی او در طبیعت اجسام مفرد و مرکب ثابت شد  
هر یک از اعمال طبیعی در معرض امتحانات عدیده  
در آمدند و حکما و علما در هر شعبه از فنون طبیعی  
کشف مطالب مجهوله کردند و طایر سنبیل و غده

که در غله های سابقه دانش کرده بودیم بد کرد  
مختصری از احتراق و نفی قناعت مینمایم و  
احتراق را بر نفی مقدم میداریم زیرا که نفی  
فوعی است از احتراق که در ابدان حیوانات  
مولد حرارت میشود و اقوال حکمای متقدمین را  
در این باب راجع میکنیم بکتاب مبسوطه که در  
طبیعی و غیره نوشته اند  
واقوالی را که از دو بیت سال قبل از این حکما  
بجرب قائل شده اند ابراد نموده و منتهی به  
بقولے که اکنون مسلم کل حکما است و با حشر و  
تجربت میتوان ادله و براین حکما را اثبات  
کرد

محمد کاظم زاهد  
معلم طبیعی  
بقیه در شماره آتی

مخبر دغا کوئی وجود مبارک اعلی حضرت  
روحان فداه بر رسم معموله همه ساله  
مدرسه مبارکه دار الفنون  
ایام عاشورا تعطیل  
سپ

تابستان در اقیانایان میشوند

(۷۰) پس چرا وقتی که بر قهای حرارتی نمودار میشود صدراعده شیده نمیشود چ زیرا که این بر قهای  
از عکس بر قهای طولانی که از اقیانایان یاد و درنده است که صدراعده قبل از آنکه بکوشش ما برسد تمام شده و ممکن است که در  
اندرون ابرها بجا منبسط که نزدیک بیکدیگرند الکتروستاتیکی که داخل شود بدون اینکه صدراعده بکوشش صدراعده وقت برق بهر عد  
واقعات و گاه شود که رعد شیده شود و برق دیده نشود

(۷۱) پس ضربه الکتریکی کدام است چ ضربه الکتریکی عبارت است از خلوص متوالی یا با واسطه قوت الکتریسیته  
و ان وقت صورت می بندد که الکتریسیته حادث شده بواسطه تفریق فوریه الکتریسیته متضاده یکدفعه از او پیشتر

بقیه در شماره آتی